حاج میرزا بابا طبیب شیرازی

محمدمظاهری

طب سنتی ایران میراث گرانبهای دانشمندان بلند مرتبه کشورمان و رشد یافته در دامان حکمت و عرفان اسلامی است که دارای ابعاد معنوی ، فرهنگی و علمی درخور توجه ای می‌باشد.

تولید شواهد علمی ، راهکار اساسی احیا پایدار طب سنتی ایران و به کارگیری موثر ان در ارتقای سلامت جامعه و گنجاندن ان در نظام ملی سلامت است.

یکی از راهکارهای اساسی و ضروری بررسی و بهره مندی از دیدگاهها و تجارب صاحبنظران ،سازمانها و موسسات در عرصه جهانی است و بستر ساز این مهم اشنایی با حکما ، فرهیختگان و اطبای طب سنتی کشورمان می‌با شد. در این راستا آشنایی با کتابها و زندگینامه حکیمان قریب به عصر حاضر از ویژگی خاصی برخوردار است.

گذشته از حکمایی چون محمد مومن تنکابنی،سید محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی که همچون ستارگانی در تاریخ اخیر طب ایران می‌درخشند،زندگی محمد تقی طبیب شیرازی ،معروف به میرزا بابا نیز از ویژگی خاصی برخوردار است.

نام مشهور این حکیم و ریا ضیدان بزرگوارمیرزا محمد تقی و مشهور به حاجی میرزا بابا و حاج آقا بابا است. از طبیبان بزرگ قرن سیزدهم هجری است. وی ملقب به ملک الاطباء است و سلطنت سه پادشاه قاجار یعنی فتحعلی شاه،محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار را درک کرده است وبهتر است گفت این سه پادشاه قاجارطبابت وی را درک کرده و از خدمات وی بهره مند بوده اند. (۱)

اصلیت این طبیب بصیر خردمند، شیرازیست ولی حسب چرخش روزگار در دارالخلافه تهران ساکن بوده است.وی طبیبی محقق و حکیمی متتبع می‌باشد.از علوم اوائل بهره ور و از مطالب حکمت و ریاضی با خبر و در معالجه بیماران نفسی مسیحایی داشت. در تشخیص و شناخت بیماریها پیروی از بقراط می‌کرد. ولی معالجات جدید طب فرنگی را که در ایام اقامت وی در تهران تازه شیوع پیدا کرده بود سخت انکار می‌کرد و استعمال طب جدید را در حفظ صحت و ازاله بیماریها به هیچ وجه اقدام نمی‌کرد. چنانچه رساله جوهریه اش که با دیگر کتابها او در نزد سایر اوراق موجود است ،دال بر ثبات عقیده وی در تکذیب اطبای فرنگ است. (۱)

این طبیب ماهر در دولت قاجاریه با کمال احترام می‌زیست و تاریخ وفات و تولدش دقیقاً معلوم نیست. بعضی تاریخ وفات او را سال ۱۲۹۰هجری ذکر کرده‌اند و گویند در اواخر عمر به قصد مجاورت عتبات عالیات به عراق مهاجرت کرد و هم در ان سرزمین (شهر کربلا) دار فانی را وداع کرد و بعضی از پایگاههای اینترنتی سال تولد وی را ۱۲۹۰هجری می‌دانند،که با توجه به اینکه وی رساله وباییه را در سال ۱۲۵۱ و رساله طاعونیه را در سال ۱۲٤۷ هجری نگاشته، به نظر می‌رسد سال ۱۲۹۰ نمی‌تواند سال تولد وی باشد. (۲)

تالیفات بسیاری دارد که تعداد آنها را بالغ بر پانزده نگاشته پندارند .

از تالیفات وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱.تسهیل العلاج (در معالجات)، که این اثر به کمک و همت والای مرکز نشر و موسسه احیا طب طبیعی و به سفارش موسسه مطالعات تاریخ پزشکی،طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران سابق به شرح و نگارشی نو و روان در سال ۱۳۸۷ چاپ و در میان علاقه مندان به مشاهیر طب سنتی توزیع شده است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

چهار ویژگی مهم این کتاب عبارتند از:

الف.اسلوبی بدیع در علم الامراض است و بابی نو و تخصصی در امراض امتلاییه دارد.

ب.امراض امتلاییه را نشات گرفته از امتلای معده می‌داند و در راستای المعده بیت کل دا و الحمیه راس کل دواء،خدمتی بزرگ به عالم حدیث می‌کند.

ج د.این گنجینه بر ناموس طب سنتی که همان" طبیب معین طبیعت" است،تاکید فراوان دارد.

د.در درمان ، ادویه ای ساده،سهل الوصول وبی ضرر را توصیه می‌کند.

به نظر می‌رسد نگارش تسهیل العلاج در پانزدهم محرم ۱۲۸۵ هجری قمری به پایان رسیده است. آنچه شایان توجه است ،ان است که به کوشش و ذوق و سلیقه موسسه ،این کتاب به نثری روان و تبویبی رسا فراهم گردیده به گونه‌ای که بتواند طبیب همراه بیماران و طب همراه طبیبان باشد. (۳)

میرزا بابا این رساله را با تاکید بر علاج امراض امتلاییه این‌گونه اغاز می‌کند:

"بدان که جمیع امراض امتلاییه،-یعنی امراضی که سبب عروض و حدوثش، پری اجزاء بدن باشد-از شش چیز حاصل میشود:

چهار چیزش اخلاط اربعه است-که خون و بلغم وسودا و صفرا باشد - پنج انها ابخره وریاحی است که از ان چهار،و یا ازغیر از ان چهار،حاصل شود در بدن و صعود یا نفوذ نماید در مجاری و یا محتبس شود در افضیه.و ششم از ان فضول و زیادتی است که ابتدا در افضیه و اوعیه بدن از غذاها یا فضول غذاها و یا رطوبات زایده از انها و از مشروبات معتاده و غیر معتاده و میوه ها و سوء ترتیب در اکل و شرب انها،فوراً یا به تدریج،حاصل می‌شود و از اجتماع و تراکم و عفونتهای انها،دیدان یا حصات تولد می‌یابد و یا اوجاع باطنی یا اورام-باقسامها-یا انخلاعات و یا اجتماع میاه و رطوبات در اوعیه و مواضع خالیه و غیرها حاصل می‌شود."

۲. رساله ای در موضوع حفظ الصحه

۳. رساله وبائیه کبیره که در سال هزارو دویست و پنجا ه و یک هجری تالیف کرده است.

٤.رساله وبائیه صغیره که خلاصه ای از رساله وبائیه کبیره اوست.

۵.رساله طاعونیه ،که در طاعون هزار و دویست و چهل هفت هجری به زبان عربی نگاشته شده است .

٦.رساله جوهریه که در رد جوهریات فرنگی و عدم جواز استعمال آنها به عربی تالیف کرده است.

همان‌گونه که ذکر شد ،ملکالاطباء با شناخت خوبی که از میراث عظیم طب ایرانی داشت ، همزمان با ورود طب فرنگی در برابر کسانی که بی چون و چرا به حذف طب ایرانی و استقبال بی قید و شرط از طب جدیدغربی می‌کوشیدند به رویارویی علمی با این حرکت پرداخت. او در این تلاش علمی با تالیف رساله جوهریه عوارض جانبی تعدادی از داروهای جدید را مطرح و مورد انتقاد قرار داده است. (۳)

۷.رساله کافوریه

۸.رساله کوثریه به زبان عربی

۹.رساله در شرح لغز مشهور که شیخ اجل بهاءالدین عاملی به اسم قانون ساخته .این کتاب را حکیم به درخواست شاگردش نوشته است.

۱۰.رساله تعبیریه

۱۱.رساله سماویه که در تفسیر بعضی آیات قرانی در علم نجوم و فلکیات است.

۱۲.مفرق الهیضه و الوبا که در تفاوت علائم اسهال و وبا نگاشته شده است.

۱۳.مسکن الفواد،که به فارسی و در علاج طاعون نوشته شده است.

١٤.البحرانیه یا رساله بحرانیه،که موضوعش بحران امراض است و شامل معارضات بین او و میرزا محمد تنکابنی ،طبیب حاضر دردربار فتحعلیشاه قاجار است که به زبان عربی تالیف کرده، چنانچه در اول آن رساله می‌نویسد:"و لما ناظرنی و باحثنی المخدوم الاجل المیرزا احمد الطبیب التنکابنی الذی کان مشهوراً فی علم الطب عند وقوفی فی دار الخلافه طهران فی شهر رمضان المبارک من شهر سنه ست و اربعین و ماتین بعد الالف من الهجره النبویه علی هاجرها الاف التحیه بان اختیارک تجویز الحقنه المسهله فی یوم الرابع و السادس من الایام

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

المـرض دون الثالـث و الخـامس کـان خـلا فـاً لمـا اختـاره المعاصرون فقلت فی جوابه لو تاملتم الی القواعد المذکوره فـی الکتبالماثوره من الاطباء علمتم ان ما اختر ته حـق و العمـل بـه راجح.فقال مادلیلک فی هذا الرجحان؟فقلت له اکتـب لرجحـان اختیاری علی اختیارکم دلایل خطـرت ببـالی و ارسـل علـیکم فتاملت الی ان جن علی اللیل بذهاب الیوم رمضت کسالتی مـن الصـوم شـرعت مسـتعیناً بـا لله فـی کـل الامـور بتسـطیر هـذه السطور.انتهی ملخصاً". (۱)

۱۵.رساله منظومه در طب.

به عنوان مثال ابیاتی در شرح سودا سروده کـه تعـدادی در شرح سودای طبیعی است(۱):

به سر چون جوش زد سودای جانان
بیان خلط سودا گشت آسان
چو با بخت من و زلف نگارم
شباهت داشت وصفش می‌نگارم
طبیعی درد بست از خون محمود
که ثفل وعکردم استاد فرمود
عفوصت باشدش دیگر حموضت
که طعمش نیست خالی از قبوضت
چو اندر ضمن خون صورت پذیرد
پی دو مصرف آن انجام گیرد
یکی ساری در اعضا گشته با دم
یکی سوی طحال آید دمادم
ضرورت در دو قسم ومنفعت هم
مقرر آمد از خلاق عالم
که دم در تغذیه وقت ضرورت
شباهت بایدش فی ای صورت
که خون چون عظم میگردد به ناچار
ز سودا بایدش قسطی مدد کار
متین گردد ز سودا دم به هر حال
که لازم بایدش در بعض احوال
ز سودا منفعتها خون نماید
که اندر شد و تکثیفش فزاید
چو آید در طحال آن جزء دیگر
ضرورت باشدش با نفع مضمر
ضرورت غسل تن از فضل سودا
ویا جوید طحال از وی غذا را
بود آن منفعت کز خلط اسود
ز مخزن در فم معده بریزد
ز قبضش قوت افزاید فم او
حموضت قطع سازد بلغم او
شود تنبیه جوع و اشتها نیز
بود جلب غذا را حلیت انگیز

در بیان اقسام ثلاثه ارواح فرماید:

سه قسم ارواح حامل شد چو محمول
که بیش و کمتر از این نیست معقول
چو اصل جملگی روح حیات است
دو قسم دیگر از او با ثبات است
بدان خود روح حیوانی است دردل
که او از صفوه دم گشته حاصل
چو آید در کبد روح طبیعی است
کزواعضا چواغصان ربیعی است
چو شد اندر دماغ و یافت تعدیل
ز حیوانی به نفسی گشت تبدیل

در معالجه خروج مقعده اطفال فرماید:

خروج مقعد عارض به صبیان
بود از سستی اعصاب ایشان
ز آس و جفت هم مازو و گلنار
سماق و ورد یابس یک به مقدار
ز قرن الایل محرق قشر رمان
بجوشان در طبیخش طفل بنشان

فی بیان اختلاف الاقوال فی الابصار:

سه مذهب گشته مشهور ای برادر
در ابصار و شروط آن مقرر
ریاضیون چنین گفتند که ابصار
چو مخروطی بود نوری پدیدار

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

که باشد زاویه زان جسم نوری
به چشم و قاعده جسم حضوری
دویم مذهب ز ابصار انطباع است
کز اصحاب طبیعی اختراع است
که یعنی مبصر اندر حال رویت
مثال آینه است و عکس صورت

سیم باشد تکیف از مذاهب
که دانستند از حق این مواهب
سه مذهب را نمودم من بیانی
به اجمال و تو تفصیلش توانی

این حکیم بزرگوار را باید از شخصیتهای نادری شمرد که آموزه های طب اصیل سنتی را به درستی فهم کرده و تلاش کرده که ان شجره مبارکه را از پیرایه هایی که در قرون اخیر بر این مکتب اصیل علمی بسته شده مبرا سازد. (۳)

REFERENCE:

1. Zonouzi Tabrizi, Abdul Hussein: Matrahe Alanzar fi Tarajema Al amsar Atba'alasar va falasefa al amsar. From the efforts of: Mir Hashem Muhaddith. Center of ethics and medical Laws research of Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Cena's cultural and civil organization . First print, Summer 1388, pp :318-321

2. www.dr- naseri.com.

3. Mohammad Taqi Shirazi, Mirza Hajji Baba: Tashil al elaj va resalate hafez al sehe. Institute of Natural Medicine Rehabilitation. Publications Jalaluddin. First print. Qom, 1387, pp:5-10..

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]